

اندازه‌گیری شاخص رفاه اجتماعی طی چهار دهه گذشته در مناطق شهری کشور

سیف‌الله اسلامی

کارشناس ارشد اقتصاد

seifallaheslami@yahoo.com

نتایج به دست آمده از بورسی شاخص رفاه اجتماعی طی سال‌های (۱۳۹۲-۱۳۵۶) در مناطق شهری کشور نشان می‌دهد که پایین ترین رقم این شاخص با ۱۳۶۶ واحد در سال ۱۳۶۱/۳ و بالاترین رقم این شاخص با ۱۰/۵ واحد در سال ۱۳۸۶ به وجود پیوسته است. در سال‌های پس از ۱۳۸۶، با وجود کاهش قابل ملاحظه ضریب جینی در مناطق شهری کشور به دلیل منفی شدن نرخ رشد متوسط هزینه‌های واقعی خانوارها (یجز سال ۱۳۸۹) شاخص رفاه اجتماعی طی سال‌های (۱۳۸۷-۱۳۹۲) با کاهش قابل توجهی مواجه شده است. رقم این شاخص در سال ۱۳۹۲ به ۸/۷ واحد رسیده که کمتر از رقم شاخص رفاه اجتماعی در سال ۱۳۸۱ می‌باشد. براساس اهداف طراحی شده در برنامه پنجم توسعه، در زیرمجموعه امور اقتصادی برای رسیدن به افزایش بالایی از شاخص رفاه اجتماعی نرخ رشد حداقل ۸ درصدی تولید ناخالص داخلی و در بخش گسترش عدالت اجتماعی کاهش فاصله ۲ دهک بالا و پایین درآمدی به طوری که شاخص ضریب جینی در کشور می‌باشد به ۰/۳۵ کاهش باید پیش‌بینی شده است. بورسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که دستیابی همزمان به اهداف نرخ رشد اقتصادی ۸ درصدی به همراه کاهش ضریب جینی به ۰/۳۵ و کاهش دیگر شاخص‌های توزیع درآمد نظری فاصله ۲ گروه بالا و پایین درآمدی طی سال‌های برنامه پنجم ۱۳۹۳ امکان پذیر نخواهد بود، بنابراین پیشنهاد می‌گردد در توسیع اهداف اقتصادی برای تنظیم برنامه ششم توسعه اقتصادی کشور این موضوع مدنظر قرار گیرد که دستیابی به نرخ رشد اقتصادی بالا به همراه کاهش ضریب جینی برای رسیدن به افزایش بالایی از شاخص رفاه اجتماعی با مشکلاتی مواجه خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: شاخص رفاه اجتماعی، توزیع درآمد، خط فقر، ضریب جینی، نرخ رشد اقتصادی،

برنامه ششم توسعه اقتصادی.

۱. مقدمه

جهت افزایش رفاه اجتماعی، اجرای سیاست‌های حمایتی یکی از سیاست‌های مورد پذیرش کشورها در هر سطحی از توسعه اقتصادی است، از هدف‌های مهم برقراری پرداخت‌های انتقالی (یارانه‌ها) درخصوص مصرف، حمایت از طبقات ضعیف جامعه، افزایش رفاه آنان به همراه برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی است. در این ارتباط نگاهی به روند پرداخت یارانه در کشور صورت می‌گیرد.

پرداخت‌های انتقالی (اعطای یارانه) در ایران به اوایل دهه ۱۳۵۰ باز می‌گردد. افزایش درآمدهای کشور که ناشی از افزایش قیمت جهانی نفت خام بهدلیل بروز جنگ اسرائیل با مسلمانان بود، منابع مالی و ارزهای خارجی فراوانی را به کشور ما منتقل نمود. در نتیجه عدم برنامه‌ریزی کشور پیرامون اتخاذ سیاست‌های مناسب در برابر تحول مذکور، حجم فراوان از این منابع از طریق تبدیل ارزهای خارجی به ریال توسط بانک مرکزی و سرازیرشدن نقدینگی ایجاد شده مذکور به جامعه گروههای خاصی از جامعه توانستد از مزایای آن استفاده نمایند، اما مناطق کوچک شهری و روستایی تنها معایب چنین تحولاتی را دریافت نمودند. این امر موجب ایجاد بی‌عدالتی اقتصادی (افزایش ضریب جینی) بین گروههای مختلف در کشور گردید. عوامل فوق به همراه افزایش هزینه‌های خانوارها و دولت و همچنین گسترش مصرف گرایی و عدم توانایی تولید داخلی در پاسخ به تقاضاهای جدید، موجات افزایش قیمت کالاهای و خدمات در کشور را فراهم نمود. دولت برای حفظ قدرت خرید طبقات وسیعی از جامعه، اقدام به واردات انبوه کالاهای اساسی و همچنین پرداخت‌های انتقالی (اعطای یارانه) به برخی از کالاهای اساسی نمود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بیشتر شدن نقش دولت، اینگونه پرداخت‌ها گسترش یافته. با این وجود پدیده‌هایی نظری افزایش نرخ رشد جمعیت و مهاجرت به شهرها، تغییر ساختار کشاورزی کشور و ... به استفاده بیشتر دولت از درآمدهای نفتی، کاهش سهم مالیات‌ها در بودجه دولت، افزایش تعداد خانوارهای فقیر، افزایش بیکاری و تورم در جامعه و در نهایت بی‌عدالتی اجتماعی و اقتصادی (افزایش ضریب جینی) و کاهش شاخص رفاه اجتماعی در برخی از سال‌های ۴ دهه گذشته در جامعه منجر گردید.

۲. اهداف یارانه

در نظریات اقتصادی، یارانه‌های مصرفی در قالب تابع مصرف خانوارها و تحت عنوان پرداخت‌های انتقالی دولت به مصرف کنندگان مطرح می‌شود. علاوه‌بر این به صورت کلی پرداخت‌های انتقالی دولت (یارانه) می‌تواند برای ۳ هدف عمده اقتصادی دولت دارای نقش اساسی و محوری باشد.

۲-۱. رفاه اجتماعی و عدالت اقتصادی

نظریات مختلف و گاهی متقاضی در زمینه رفاه اجتماعی و عدالت اقتصادی وجود دارد. به‌طور کلی بر اساس نظریه بازار رقابت کامل در پروسه حداکثر نمودن سود در تولید کالا و خدمات، هر عاملی از تولید، سهمی از آن را به دست می‌آورد. با تأکید به این مسئله بسیاری بر این باورند که با رشد تولید، وضعیت رفاه اجتماعی و عدالت اقتصادی نیز در بلندمدت بهبود می‌یابد. با این وجود، با عنایت به بروز انحصارات و به کارگیری شیوه‌های نوین در تولید کالاهای و خدمات به نظر نمی‌رسد که در کوتاه‌مدت شیوه فوق بتواند کارساز باشد.

از آنجایی که رفاه اجتماعی و عدالت اقتصادی یکی از آرمان‌های متعالی بوده و امروز به لحاظ اهمیت موضوع به یکی از اهداف سیاسی و اقتصادی و اجتماعی مهم برای دولت‌ها تبدیل شده است، دولت جهت بهبود در رفاه اجتماعی و عدالت اقتصادی از اهرم‌های مالی (مالیات و پرداخت‌های انتقالی) استفاده می‌نماید.

۲-۲. سیاست‌های ثبیت اقتصادی

نوسانات شدید قیمت‌ها به طور معمول به صورت دوره‌ای ظاهر شده و موجب به وجود آمدن شرایط رکود تورمی می‌گردد. این امر باعث بدینی سرمایه‌گذاران شده و در نتیجه بر رشد و توسعه اقتصادی در بلندمدت اثر منفی می‌گذارد. جهت جلوگیری از چنین نوساناتی، دولت‌ها معمولاً با استفاده از اهرم‌های مختلف نظیر اهرم مالی در اقتصاد مداخله نموده و سیاست‌های ثبیت اقتصادی را در این زمینه به کار می‌برند.

۳-۲. استفاده بهتر از منابع کمیاب

در اقتصاد یک کشور به صورت دوره‌ای شرایطی به وجود می‌آید که نتیجه آن بروز نوسانات اقتصادی است. به عبارت دیگر شرایطی در اقتصاد به وجود می‌آید که رسیدن به بهینه پاراتو امکان‌پذیر نیست. در چنین شرایطی دولت با استفاده از ابزارهای مالی نظیر تغییر در نظام مالیاتی و پرداخت‌های انتقالی (یارانه) بازار را به تخصیص بهینه دوم پاراتو هدایت نماید.

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های سیاست حمایتی پرداخت یارانه است که با توجه به پیچیدگی و تنوع و کاربرد آن طبقه‌بندی‌های خاص خود را دارد، اما در این مقاله به یارانه‌هایی اشاره خواهد شد که از نظر هزینه به صورت آشکار در قانون بودجه قبل انعکاس می‌باشند.

۳. نسبت یارانه‌های پرداختی به برخی از متغیرها

۳-۱. نسبت یارانه به کل بودجه دولت

از آنجایی که مبالغ یارانه‌ها در قالب هزینه‌های بودجه دولت منعکس می‌شود نسبت یارانه به کل بودجه دولت می‌تواند به عنوان شاخص قابل اعتمادی از سیاست‌های حمایتی دولت مورد بررسی قرار گیرد. براساس آمار و اطلاعات جدول (۱) ملاحظه می‌گردد که طی سال‌های (۱۳۵۸-۱۳۶۸) نسبت مخارج یارانه به هزینه‌های بودجه روند ثابتی نداشته و با نوسانات زیادی همراه بوده است، اما از سال ۱۳۶۹ به بعد این سهم از روند افزایش نسبتاً بالایی برخوردار شده به طوری که در سال ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۲۷۷ درصد از کل بودجه دولت صرف پرداخت یارانه گردیده و پس از این سال روندی کاهشی را طی نموده است.

با اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها این نسبت مجدداً افزایش شدیدی را در ۳ سال گذشته تجربه نموده است، به گونه‌ای که دولت به دلیل فراگیر بودن پرداخت یارانه به همه مردم کشور طی سال گذشته دچار

مشکلات عدیدهای برای تأمین منابع آن بوده است. بر اساس گفته معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، در سه ماهه اول سال ۱۳۹۳ در مجموع ۶۲۰۰ میلیارد تومان درآمد از اصلاح قیمت‌ها به حساب سازمان هدفمندی یارانه‌ها واریز شده، در حالی که دولت در این مدت ۱۰ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان به صورت نقدي یارانه پرداخت کرده که کسری ۴۲۰۰ میلیارد تومانی را نشان می‌دهد.

۲-۳. نسبت یارانه‌ها به درآمدهای مالیاتی

نسبت یارانه‌ها به درآمدهای مالیاتی شاخص دیگری است که طی ۴ دهه گذشته با رشد فراوانی همراه بوده و نشان می‌دهد که دولت در سال‌های (۱۳۷۵-۱۳۷۲) بدليل یکسان‌سازی نرخ ارز در اقتصاد کشور و در نتیجه افزایش هزینه واردات کالاهای اساسی که به آن یارانه پرداخت می‌شود، نزدیک به نصف دریافت‌های خود از طریق مالیات را به صورت یارانه پرداخت نموده است. در سال‌های بعد این نسبت به صورت نوسانی تغییراتی را تجربه نموده است. با آغاز اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها این نسبت مجدداً در ۳ سال گذشته افزایش شدیدی داشته، به گونه‌ای که دولت طی سال‌های (۱۳۹۱-۱۳۹۰) بیش از مقداری که مالیات دریافت نموده یارانه پرداخت کرده است.

۳-۳. نسبت یارانه به تولید ناخالص داخلی

شاخص دیگری که می‌تواند جایگاه سیاست‌های حمایتی دولت را در اقتصاد به نمایش بگذارد نسبت یارانه به تولید ناخالص داخلی می‌باشد. آمار و اطلاعات ۴ دهه گذشته اقتصاد ایران در جدول (۱) نشان می‌دهد که این نسبت تا قبل از آغاز اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها حول محور ۲ درصد در نوسان بوده است. با آغاز اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها این نسبت با افزایش قابل توجهی به بالاتر از ۶ درصد در سال ۱۳۹۱ رسیده است.

۴. یارانه سرافه

شاخص دیگری که می‌تواند نشان‌دهنده ابعاد سیاست‌های حمایتی دولت باشد یارانه سرانه است. از آنجا که افزایش جمعیت موجب افزایش تقاضا برای دریافت یارانه نقدي و کالاهای اساسی یارانه‌ای می‌گردد، در نتیجه یارانه سرانه به عنوان یکی از شاخص‌های مهم اقتصادی می‌تواند وضعیت پرداخت‌های انتقالی دولت به جامعه را نمایان سازد. آمار و اطلاعات جدول (۱) نشان می‌دهد که با افزایش حجم جمعیت میزان یارانه‌ها نیز افزایش یافته و در نتیجه سرانه پرداخت‌های یارانه‌ای به قیمت‌های جاری نیز روندی افزایشی به خود گرفته است، اما با تعديل یارانه‌های پرداختی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ ملاحظه می‌گردد که به رغم روند صعودی یارانه سرانه (به قیمت جاری) که از سال ۱۳۶۸ آغاز گردیده و در سال ۱۳۹۱ به اوج خود رسیده آثاری که پرداخت این یارانه‌ها بر افزایش رفاه اجتماعی و قدرت خرید مردم داشته بسیار اندک بوده است. بنابراین

گرچه دولت همه‌ساله مبالغ زیادی از بودجه عمومی را صرف پرداخت یارانه نقدی و همچنین یارانه کالاهای اساسی نموده است، اما به دلیل فرآگیر بودن اینگونه پرداخت‌ها تأثیر قابل توجهی در بهبود وضع معیشتی اقشار کم‌درآمد جامعه نداشته و ارزش واقعی کمک‌های دولت بر الگوی تغذیه جامعه چندان شایان توجه نبوده است. به طور مثال، دولت در سال ۱۳۹۱ برای هر فرد مبلغی در حدود ۶ میلیون ریال به عنوان یارانه هزینه نموده در حالی که تنها توانسته است قدرت خریدی به میزان ۶۲۵ هزار ریال ایجاد نماید. این قدرت خرید در سال ۱۳۹۰ در حدود ۶۶۵ هزار ریال بوده است. روند مذکور نشان می‌دهد در صورتی که تغییری در اعطای فرآگیر یارانه توسط دولت صورت نگیرد (این امر نیازمند همکاری تمام ارکان حکومت و همراهی مردم می‌باشد) قدرت خرید مذکور طی سال‌های آینده به دلیل ادامه نرخ‌های تورم ۲ رقمی به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش خواهد یافت.

جدول ۱. یارانه‌ها و سهم آن از برخی متغیرهای کلان اقتصادی

(۱۳۷۶=۱۰۰)

سال	کل یارانه‌ها به قیمت جاری (میلیارد ریال)	بودجه دولت به قیمت جاری (میلیارد ریال)	نسبت یارانه‌ها به درآمدهای مالیاتی	نسبت یارانه‌ها به درآمدهای ناخالص داخلی(درصد)	نسبت یارانه‌ها به تولید قیمت جاری (ریال)	نسبت یارانه‌ها به سرانه به قیمت ثابت (ریال)
۱۳۵۸	۷۹/۲	۲۰۱۸/۲	۳/۹	۲۱/۵	۲۰۹۶	۷۲۰۲۰
۱۳۵۹	۷۳/۳	۲۲۴۹/۳	۱/۷	۱۱	۹۵۰	۲۶۴۶۱
۱۳۶۰	۸۱/۳	۲۷۰۷۱	۳/۰	۱۴/۷	۱۹۹۱	۴۵۰۵۳
۱۳۶۱	۱۰۹/۷	۳۱۶۶/۳	۴/۱	۱۷/۹	۲۵۸۷	۴۵۲۲۲
۱۳۶۲	۱۰۶/۱	۳۶۷۱/۷	۳/۵	۱۳/۳	۲۴۰۶	۳۷۱۹۵
۱۳۶۳	۱۰۲/۲	۳۳۵۳/۶	۲/۹	۱۳/۴	۰/۸۵	۲۶۲۲
۱۳۶۴	۱۱۶/۴	۳۳۱۳/۶	۳/۶	۱۱/۳	۰/۸۹	۲۴۴۵
۱۳۶۵	۱۲۷/۱	۳۱۵۶/۸	۴/۰	۱۲/۴	۰/۸۷	۲۵۷۵
۱۳۶۶	۱۰۴/۵	۳۶۴۰/۶	۲/۹	۱۰/۲	۰/۵۸	۲۰۶۴
۱۳۶۷	۹۰/۶	۴۲۱۰/۶	۲/۲	۹/۲	۰/۴۵	۱۷۵۳
۱۳۶۸	۱۶۲/۵	۴۳۱۶/۷	۳/۸	۱۳/۷	۰/۶۵	۳۰۵۶
۱۳۶۹	۴۰۳/۹	۶۰۵۱/۱	۶/۷	۲۳/۸	۱/۲	۷۴۱۲
۱۳۷۰	۵۱۴/۹	۸۰۹۰/۹	۶/۴	۱۸/۶	۱/۱	۹۲۲۲
۱۳۷۱	۱۰۶۳/۸	۱۰۷۵۶/۸	۹/۹	۲۷/۷	۱/۹	۱۸۴۴۵
۱۳۷۲	۲۳۳۷/۷	۲۰۸۸۶/۹	۱۱/۲	۵۲/۳	۲/۱	۳۶۹۵۷
۱۳۷۳	۳۶۸۶/۱	۲۸۹۱۲/۴	۱۲/۷	۶۷/۱	۲/۸	۶۳۱۹۷
۱۳۷۴	۴۸۹۵/۱	۴۱۳۳۱	۱۱/۸	۶۶/۹	۲/۶	۸۲۷۰۴
۱۳۷۵	۶۴۳۷	۵۶۷۸۳	۱۱/۳	۵۱/۳	۲/۷	۱۰۷۱۸۵
۱۳۷۶	۵۸۰۱	۶۵۰۷۵	۸/۹	۳۳/۴	۲	۹۴۹۸۹
۱۳۷۷	۶۲۹۴	۶۴۳۵۹	۹/۸	۳۳/۷	۱/۸	۱۰۱۳۴۸
۱۳۷۸	۷۶۵۱	۹۴۵۷۲	۸/۱	۲۹/۶	۱/۸	۱۲۱۱۵۲
۱۳۷۹	۸۳۹۰	۱۰۷۰۲۹	۷/۸	۲۵/۵	۱/۶	۱۳۰۶۴۷
۱۳۸۰	۱۰۴۶۸	۱۲۸۲۴۴	۸/۲	۲۷	۱/۸	۱۶۰۳۰۴
۱۳۸۱	۱۳۱۵۳	۲۲۹۹۶۳	۵/۷	۲۶	۱/۸	۱۹۸۳۸۶
۱۳۸۲	۱۴۲۲۳	۲۹۳۳۷۵	۷/۳	۲۹/۷	۲/۱	۲۸۷۰۵۳
۱۳۸۳	۲۷۵۳۸	۳۲۷۳۱۸	۸/۴	۳۲/۶	۲/۴	۴۰۲۹۲۶
۱۳۸۴	۵۱۸۴۰	۴۷۰۹۹۰	۱۱	۵۰/۵	۳/۸	۷۴۷۰۸۲
۱۳۸۵	۵۷۶۳۱	۵۷۶۹۸۹	۱۰	۴۵/۹	۳/۵	۸۱۷۵۱۳
۱۳۸۶	۵۴۶۸۴	۶۲۹۶۰۹	۸/۷	۳۳/۶	۲/۸	۷۶۴۴۶۶
۱۳۸۷	۸۵۴۳۴	۸۰۳۴۱۸	۱۰/۶	۴۲/۱	۳/۴	۱۱۷۰۳۲
۱۳۸۸	۶۹۱۵۳	۸۴۵۲۷۳	۸/۲	۲۶/۳	۲/۴	۹۳۹۵۷۷
۱۳۸۹	۱۱۴۹۵۳	۸۹۶۰۷۴	۱۲/۸	۴۰/۴	۲/۶۷	۱۵۴۹۲۵
۱۳۹۰	۳۹۳۵۷۴	۱۲۸۴۶۰۵	۳۰/۶	۱۰/۵	۶/۴۴	۵۲۳۷۱۷۹
۱۳۹۱	۴۵۴۹۶۲	۱۰۴۵۷۹۶	۴۳/۵	۱۱۵/۱	۶/۷۳	۵۹۸۶۴۴۲

مأخذ: با استفاده از آمار و اطلاعات قوانین بودجه سال‌های مختلف، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان، سازمان هدفمند کردن یارانه‌ها.

۵. محاسبہ خط فقر

به طور معمول پرداخت‌های یارانه‌ای، فشار به اقشار ضعیف جامعه در مقابل سیاست‌های اعمال شده در اقتصاد شامل فشارهای قیمتی، درآمدی و ... را کاهش داده و منجر به بهبود وضعیت معیشتی آنها می‌گردد. این شرایط موجبات کاهش نابرابری‌ها را فراهم نموده و در صورت ثابت بودن دیگر شرایط اقتصادی، افزایش رفاه اجتماعی را به همراه خواهد داشت. بنابراین در ادامه بحث بهدلیل ارتباط مبحث خط فقر با موضوع رفاه اجتماعی، به محاسبه خط فقر در ایران طبق دوره ۲۲ ساله پرداخته می‌شود.

یکی از روش‌های محاسبه خط‌فقر استفاده از میانه آماری است. در این روش خانوار میانه داده‌ها تعیین و سپس هزینه انجام شده توسط خانوار مذکور به عنوان هزینه میانه، مورد استناد قرار گرفته و پس از آن نصف

(برخی از کشورها $\frac{2}{3}$ هزینه خانوار مذکور) آن را به عنوان چارک اول یا خط فقر نسبی تلقی می‌نمایند.

فرض کلیدی در استفاده از این روش، نرمال بودن توزیع درآمد در کشور است. به عبارت دیگر چنانچه توزیع درآمد در کشور به صورت نرمال باشد می‌توان از روش چارک اول برای تعیین خط فقر نسبی استفاده نمود. در صورت وجود چولگی در توزیع درآمد باید تعدیلی در این روش صورت پذیرد. به دلیل اینکه طی ۴ دهه گذشته در اقتصاد ایران همواره میانه هزینه‌ای خانوارها پایین‌تر از میانگین آن قرار داشته، بنابراین توزیع درآمد (هزینه) طی سال‌های مورد نظر به صورت چوله راست بوده است؛ یعنی گروه‌های زیادی از خانوارهای جامعه در سطوح پایین هزینه‌ای هستند. بنابراین برای محاسبه خط فقر در اقتصاد ایران به جای استفاده از میانه هزینه‌ای خانوارها باید از میانگین هزینه‌ای خانوارها استفاده گردد.

بر اساس آمار و اطلاعات هزینه درآمد خانوارهای شهری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۱، متوسط هزینه‌های سالانه یک خانوار شهری در حدود ۱۶۴/۳ میلیون ریال و چنانچه نصف رقم مذکور چارک اول هزینه‌ای تلقی گردد، خط‌قفر نسبی در سال ۱۳۹۱ در حدود ۸۲/۱۵ میلیون ریال خواهد بود.

از آنجایی که هزینه ۳ گروه اول هزینه‌ای مناطق شهری در سال ۱۳۹۱ پایین‌تر از رقم مذکور می‌باشد ۳ گروه فوق زیر خط فقر نسبی به سر می‌برند. حال با عنایت به تعداد خانوار در گروه‌های مذکور (۸۷۳/۵ و ۹۳۰/۵ و ۱۲۶۸) و متوسط بعد خانوار در ۳ گروه فوق (۲/۱ و ۲/۸۵ و ۳/۱۹) حدود ۱۲/۷۵ درصد افراد مناطق شهری کشور در سال ۱۳۹۱ زیر خط فقر نسبی به سر برده‌اند. با تعمیم نمونه گیری مرکز آمار ایران به کل جمعیت شهری کشور (۴۵۶ میلیون نفر)، در سال ۱۳۹۱ حدود ۶/۹۶ میلیون نفر در مناطق شهری زیر خط فقر نسبی به دهاند.

برای مناطق روستایی متوسط هزینه سالانه یک خانوار روستایی در سال ۱۳۹۱ حدود ۱۰۸/۲ میلیون ریال و اگر نصف رقم مذکور چارک، اول در نظر گرفته شود، خط قدر نسبی حدود ۵۴/۱ میلیون ریال خواهد بود.

بنابراین، هزینه ۳ گروه اول هزینه‌ای مناطق روستایی کشور در سال ۱۳۹۱ پایین‌تر از رقم مذکور قرار می‌گیرد. حال با توجه به تعداد خانوار گروه‌های مذکور (۵۷۶، ۸۸۱ و ۱۷۷۵) و متوسط بعد خانوار در ۳ گروه فوق (۱/۴۶، ۱/۹۴ و ۲/۸۴۳) در حدود ۹/۸۴ درصد مناطق روستایی در سال ۱۳۹۱ زیر خط فقر نسبی به سر بوده‌اند. با پذیرش تعیین نمونه به کل جمعیت روستایی کشور (۲۱/۴ میلیون نفر) در سال ۱۳۹۱ در حدود ۲/۱۱ میلیون نفر در مناطق روستایی زیر خط فقر نسبی بوده‌اند. بر اساس استفاده از روش میانگین هزینه‌ای برای تعیین خط فقر نسبی در سال ۱۳۹۱ در مناطق شهری و روستایی کشور حدود ۹/۰۷ میلیون نفر (در حدود ۱۱/۹۳ درصد) زیر خط فقر نسبی به سر برده‌اند. جهت طراحی یک سری زمانی برای خط فقر نسبی طی سال‌های (۱۳۹۱-۱۳۷۰) نیز با استفاده از همین روش خط فقر نسبی محاسبه و در جدول ذیل آورده شده است.

جدول ۲. محاسبه خط‌فقرنی خانوارهای شهری و روستایی براساس روش استفاده از میانگین هزینه‌ای

سال	*۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۲	۱۳۷۱	۱۳۷۰
میانگین هزینه سالنه شهری (میلیون ریال)	۲۰.۶	۱۶۴/۳	۱۳۲/۷۲	۱۱۳/۶۸	۹۹/۱۹	۹۲/۲۱	۸۱/۲۹	۶۲/۲۹	۵۹/۲۴	۵۱/۵	۴۰/۹۹	۳۴/۹۷	۲۸/۰۲	۲۴/۱۸	۲۰/۷۰	۱۶/۶۷	۱۳/۳۴	۱۱/۰۶	۸/۸۸	۶/۲۴	۴/۶۱	۲/۷۹	۳/۰۶
میانگین هزینه سالنه روستایی (میلیون ریال)	۱۲۹/۶	۱۰۸/۲	۸۳/۹۷	۶۸/۴۸	۵۹/۲۶	۵۳/۹۹	۴۸/۸۵	۴۱/۷۵	۳۷/۵	۳۳/۵۴	۲۵/۶۸	۲۱/۴۰	۱۷/۲۳	۱۵/۶۷	۱۳/۶۴	۱۰/۸	۸/۵۰	۶/۹۹	۵/۹۵	۳/۸۹	۲/۷۳	۲/۳۱	۱/۹۳
خط‌فقرنی سالنه شهر (میلیون ریال)	۱۰.۳	۸۲/۱۵	۶۶/۳۶	۵۶/۸۴	۴۹/۶	۴۷/۱	۴۰/۶۵	۳۳/۶۴	۲۹/۶۲	۲۵/۷۴	۲۰/۴۹	۱۷/۴۹	۱۴/۰۱	۱۲/۰۹	۱۰/۳۵	۸/۳۳۵	۶/۶۷	۵/۵۳	۴/۴۴	۳/۱۲	۲/۳۱	۱/۸۹	۱/۵۳
خط‌فقرنی سالنه روستا (میلیون ریال)	۹۴/۸	۵۴/۱	۴۱/۹۹	۳۴/۲۴	۲۹/۶۳	۲۶/۹۹	۲۴/۴۲	۲۰/۷۹	۱۸/۷۵	۱۶/۷۷	۱۲/۸۴	۱۰/۷۰	۸/۶۲	۷/۸۴	۶/۸۲	۵/۴	۴/۲۵	۳/۵۰	۲/۹۸	۱/۹۵	۱/۳۷	۱/۱۶	۰/۹۶۵
تعداد افراد زیرخط‌قدر در شهر (هزار نفر)	۸/۵۳	۹/۴۵	۱۵/۵۵	۱۲/۱۵	۱۴/۱۷	۱۶/۶۵	۱۱/۲۹	۱۲	۹/۹۳	۸/۸۹	۱۴/۲۳	۹/۵۳	۱۳/۰۱	۱۰/۲۱	۶/۲۲	۱۲/۷	۱۲/۳۶	۱۹/۳	۱۳/۴	۴/۶	۱۱	۱۶/۹	
تعداد افراد																							
زیرخط‌قدر روستا (هزار نفر)	۷/۵۶	۵/۶۵	۱۲/۹۲	۱۷/۳۶	۲۰/۴۸	۱۵/۶۵	۱۴/۸۱	۱۴/۸۸	۱۲/۶۲	۱۰/۴	۱۲/۱۱	۱۷/۲۶	۱۵/۲	۲۰/۲۲	۱۰/۴۰	۱۱/۶	۱۱/۰۵	۱۴/۱۷	۸	۵/۷	۱۳/۲	۱۹/۴	
تعداد کل افراد نمونه در شهر (هزار نفر)	۶۶/۹۱۱	۶۹/۰۰۷	۶۹/۰۱	۷۰/۰۵۵	۷۴/۲۳	۵۸/۱۲	۵۶/۴۲	۵۲/۶	۴۹/۹	۴۸/۱۸	۶۶/۶۵	۵۵/۱۵	۵۵/۶۹	۶۰/۶۰	۳۹/۱	۵۲/۱	۵۲/۶۹	۱۰۰/۸	۶۰/۰۹	۳۳/۱	۴۶/۱	۴۶/۸	
تعداد کل افراد نمونه در روستا (هزار نفر)	۷۶/۸۶	۷۹/۷	۸۰/۱	۷۷/۱۸	۸۴/۱۵	۷۵/۱۴	۷۷/۳۲	۶۶/۱	۶۲/۸۷	۵۹/۹۵	۸۶/۳۸	۷۵/۷۵	۷۷/۰۵	۷۹/۱۲	۴۹/۹	۵۹/۶	۶۱/۰۹	۹۲/۸	۴۳/۹۶	۳۳/۱	۵۳/۷	۵۵/۱	
افراد زیرخط‌قدر شهر (درصد)	۱۲/۷۵	۱۳/۶۹	۲۲/۵۴	۱۷/۲۳	۱۹/۱	۲۸/۶۴	۲۰/۰۲	۲۲/۸۲	۱۹/۹	۱۸/۴۶	۲۱/۳۵	۱۷/۲۷	۲۳/۳۵	۱۶/۸۴	۱۵/۹۱	۲۴/۳	۲۳/۴۵	۱۹/۱	۲۲/۳	۱۳/۷	۲۳/۹	۳۶/۱	
افراد زیرخط‌قدر روستا (درصد)	۹/۸۴	۷/۰۸	۱۶/۱۲	۲۲/۵	۲۴/۳۴	۲۰/۸۳	۱۹/۱۶	۲۲/۵۲	۲۰/۱	۱۷/۳۹	۱۴/۰۳	۲۲/۷۹	۱۹/۷۳	۲۵/۵۶	۲۰/۸۲	۱۹/۴	۱۸/۱	۱۵/۳	۱۸/۲	۱۷/۲	۲۴/۶	۳۵/۲	

* به دلیل عدم انتشار کامل آمار و اطلاعات سال (۱۳۹۲) هزینه، درآمد خانوارهای شهری و روستایی مرکز آمار ایران، سایر سطرها قابل محاسبه نخواهد بود.

مأخذ: ۲ سطر اول از هزینه، درآمد خانوارهای شهری و روستایی مرکز آمار ایران در سال‌های مختلف و سایر سطرها یافته‌های تحقیق می‌باشد.

جهت بهبود وضعیت زندگی خانوارهای زیر خط فقر در سال ۱۳۹۱ و در نتیجه افزایش رفاه اجتماعی می‌بایست مبالغی به عنوان پرداخت‌های انتقالی به آنها اعطا گردد. کسری خانوارهای زیر خط فقر در مناطق شهری و روستایی به صورت ذیل می‌باشد.

برای بهبود و ارتقای سطح زندگی گروه اول هزینه‌ای خانوارهای شهری، با توجه به اینکه خط فقر نسبی حدود ۸۲/۱۵ میلیون ریال و سرانه آن در حدود ۲۲۸/۷۶ میلیون ریال می‌باشد، برای هر فرد در خانوار این گروه در حدود ۸/۹۵ میلیون ریال نیاز خواهد بود (متوسط هزینه گروه اول ۱۳/۸۱ میلیون ریال بوده است). با توجه به تعداد افراد خانوار در گروه اول (۲/۱ نفر) کسری یک خانوار در این گروه برای بهبود و ارتقای سطح زندگی تا سطح زندگی در حد خط فقر به ۱۸۷/۹ میلیون ریال بالغ می‌گردد. حال با درنظر گرفتن کل نفرات گروه اول، در صورت تعمیم نمونه به جامعه شهری کشور در این گروه هزینه‌ای (۱/۴۹۶ نفر) مجموع کسری گروه اول هزینه‌ای در حدود ۱۳۳/۸۴/۳ میلیارد ریال خواهد بود. کسری خانوارها در گروه دوم و سوم هزینه‌ای مناطق شهری در سال ۱۳۹۱ بر همین اساس به ترتیب مبلغ ۹۰۰/۱/۵ و ۴۷۵/۱/۴ میلیارد ریال خواهد بود. به این ترتیب برای ارتقای سطح زندگی این خانوارها تا خط فقر نسبی، کشور نیازمند اعطای مبلغی در حدود ۲۷۱/۳ میلیارد ریال برای سال ۱۳۹۱ به این خانوارها در ۳ گروه هزینه‌ای بوده است.

کسری ۳ گروه اول هزینه‌ای خانوارهای روستایی برای بهبود و ارتقای سطح زندگی، تا سطح خط فقر نسبی در سال ۱۳۹۱ بر اساس روش فوق در حدود ۲۲۳/۵/۵ میلیارد ریال بوده است. به این ترتیب کسری خانوارهای شهری و روستایی برای بهبود و ارتقای سطح زندگی تا سطح خط فقر نسبی در ۳ گروه هزینه‌ای در سال ۱۳۹۱ در حدود ۲۹۳/۷۲/۷ میلیارد ریال بوده است.

این در حالی است که به هریک از افراد این خانوارها که جمعیتی بالغ بر ۹/۰/۷ میلیون نفر را در کشور شامل می‌شود، دولت مبلغ ۵/۴۶ میلیون ریال به عنوان یارانه نقدی در سال ۱۳۹۱ پرداخت نموده است (پرداخت ۴۹۵/۲۲ میلیارد ریال یارانه نقدی در سال ۱۳۹۱ به کل افراد ۳ گروه هزینه‌ای در مناطق شهری و روستایی کشور).

به بیان دیگر دولت در سال ۱۳۹۱ علاوه بر پرداخت مبلغی در حدود ۵ هزار میلیارد تومان به عنوان یارانه نقدی به این خانوارها در مناطق شهری و روستایی، برای بهبود و ارتقای سطح رفاه اجتماعی، تا سطح خط فقر نسبی می‌بایست مبلغ ۲/۹۴ هزار میلیارد تومان دیگر نیز به آنها پرداخت می‌نمود. کنکاش در اعداد و ارقام فوق لزوم تغییر سیاست‌های اجرایی در نحوه هدفمندسازی یارانه را دو چندان می‌سازد. این امر در وهله نخست اقدام شجاعانه دولت در شناسایی گروه‌های نیازمند به یارانه را طلب می‌نماید. حذف یارانه نقدی گروه‌های متوسط به بالای هزینه‌ای علاوه بر اینکه توان دولت را در رسیدگی به اقشار آسیب‌پذیر جامعه افزایش می‌دهد، موجبات کاهش بار مالی سنگینی که طی ۳ سال گذشته بر دولت وارد شده است را فراهم می‌نماید.

جدول ۳. محاسبه کسری هزینه خانوارها تا خط فقر در سال ۱۳۹۱

مناطق هزینه‌ای	گروه‌های هزینه‌ای	کسری هزینه هر خانوار (میلیون ریال)	کسری سرانه (میلیون ریال)	از کل نمونه (درصد)	میزان جمعیت در کسری کسری (میلیارد ریال)	مجموع کل کشور (میلیون نفر)	سهم تعداد افراد کل نمونه
شهری	گروه اول	۱۸/۷۹	۸/۵۹	۲/۷۴	۱/۴۹۶	۱۳۳۸۴۶/۳	۱/۴۹۶
	گروه دوم	۱۱/۸۶۲	۴/۱۶	۳/۹۶۳	۲/۱۶۴	۹۰۰۱/۵	۲/۱۶۴
	گروه سوم	۴/۵۹	۱/۴۴	۶/۰۴۴	۳/۳	۴۷۵۱/۴	۳/۳
	جمع شهری	--	--	۱۲/۷۴۷	۶/۹۶	۲۷۱۳۷/۲	۶/۹۶
	گروه اول	۷/۹	۵/۴۲	۱/۰۹۴	۰/۲۲۴	۱۲۶۷	۰/۲۲۴
	گروه دوم	۱/۷۴	۰/۹	۲/۲۲۳	۰/۴۷۶	۴۲۷/۲	۰/۴۷۶
	گروه سوم	۱/۱	۰/۳۹	۵/۵۶	۱/۴۰۴	۵۴۱/۲	۱/۴۰۴
	جمع	--	--	۹/۸۷۶	۲/۱۱۳	۲۲۳۵/۵	۲/۱۱۳
روستایی	جمع کل کشور	--	--	--	۹/۰۷	۲۹۳۷۲/۷	۹/۰۷

مأخذ: نتایج تحقیق.

در اکثر کشورهای در حال توسعه بهدلیل پایین بودن تولید ناخالص داخلی و همچنین چولگی راست در توزیع درآمد سطح رفاه اجتماعی بسیار پایین است، بنابراین مبلغی که خط فقر نسی را تعیین می‌نماید کمتر از مبلغی است که خط فقر مطلق ترسیم می‌کند. به بیان دیگر در کشورهای در حال توسعه مشکل اصلی سوء تغذیه و فقر مزمن بوده و نابرابری شدید درآمدی در مراحل پس از آن قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر در این کشورها طیف وسیعی از جمعیت کشور قادر نیستند که مصرف خود را بر اساس الگوی تغذیه مناسب و نرمال تنظیم نمایند. در مقابل این کشورها، کشورهای صنعتی و پیشرفته به لحاظ حجم بالای تولید ناخالص داخلی تا حدود زیادی موفق به حذف فقر مطلق در کشورهایشان شده‌اند و در چند دهه اخیر به کاهش نابرابری‌های درآمدی با اهرم‌های مختلف اقدام نموده‌اند. بنابراین، کشورهایی که از سطح و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بالایی برخوردارند گرچه سطح زندگی و رفاه اجتماعی در آنها بالاست، اما سالانه در صدی از خانوارها را بر اساس معیار نصف میانگین درآمد سرانه کشور (برخی از کشورها، $\frac{2}{3}$ میانگین درآمد سرانه کشور) به عنوان خانوارهای زیر خط فقر تعیین می‌نمایند. به عبارت دیگر مبلغ تعیین کننده خط فقر نسی در این کشورها (بر عکس کشورهای در حال توسعه و قبیر که خط فقر مطلق تعیین شده برای به دست آوردن الگوی تغذیه استاندارد، بالاتر از خط فقر نسی می‌باشد) بسیار بالاتر از مبلغ تعیین کننده خط فقر مطلق در این کشورها است.

با توجه به وجود چولگی راست در نحوه توزیع درآمد در کشور، انتظار می‌رود که مبلغ تعیین کننده سالانه خط فقر مطلق بسیار بیشتر از مبالغ تعیین شده برای خط فقر نسی در مناطق شهری و روستایی (۸۲/۲ میلیون ریال مناطق

شهری و ۵۴/۱ میلیون ریال مناطق روستایی) کشور باشد. بنابراین، برای برطرف نمودن فقر مطلق در گروه‌های هزینه‌ای کشور در سال ۱۳۹۱ مبلغی بسیار بیشتر از ۲۹/۴ هزار میلیارد ریال مورد نیاز بوده است.

۶. کنکاشی پیرامون دیدگاه‌های مختلف رفاه اجتماعی

توزیع درآمد در اندیشه‌های مکاتب اقتصادی از یونان باستان تا دوران معاصر نقش مهمی را ایفا نموده است. در این راستا هر یک از مکاتب نظریات مختلفی را ایان نموده‌اند. این نظریات را به طور کلی می‌توان به ۲ دسته، توزیع مبتنی بر عوامل تولید (که در آن فعالیت‌ها برای تولید و کسب درآمد از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد) و توزیع شخصی یا مقداری درآمد (که در آن فعالیت‌ها برای کسب درآمد در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد) تقسیم نمود.

اقتصاد همانگونه که به چگونگی تخصیص منابع اهمیت می‌دهد به بررسی شرایط ایده‌آل و اینکه تخصیص منابع چگونه باید توزیع شود نیز می‌پردازد. بر این اساس عدالت اقتصادی نیز که بخشی از مقوله عدالت در جامعه می‌باشد در نظریات اقتصادی جایگاه ویژه‌ای دارد.

برای رسیدن به عدالت اقتصادی، نخستین و ساده‌ترین برداشت و تحلیل از آن می‌تواند به اندیشه تساوی طلبی بینجامد. این تفکر معتقد است بهترین دولت دولتی است که به توزیع نسبتاً برابر درآمد و ثروت میان اعضای جامعه همت گمارد، زیرا چنانکه درآمد و ثروت به صورت برابر بین افراد توزیع شود باعث ایجاد رابطه مناسبی بین اعضای جامعه می‌شود.

یکی از مسائلی که این تفکر با آن مواجه خواهد بود وجود تفکرات مختلف پیرامون بهتر شدن وضعیت افراد جامعه می‌باشد. در این شرایط بدلیل متفاوت بودن مطلوبیت افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی، مساوی شدن کامل رفاه افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی، هزینه‌های غیرقابل تصور و فراوانی را به جامعه تحمیل خواهد نمود. به همین دلیل عده‌ای معتقد هستند که می‌بایست به جای توزیع برابر ثروت، منابع و امکانات را به صورت مساوی بین افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی توزیع نمود. در این شرایط عدالت برقرار است اما اگر افرادی از جامعه نخواستند از فرصت‌های برابر ایجاد شده استفاده نمایند شرط کارایی اقتصادی حکم می‌کند که اجازه استفاده از فرصت‌های باقیمانده در جامعه به افراد دیگری داده شود؛ در این صورت تلفیقی بین کارایی و عدالت اقتصادی پذید می‌آید. اینکه چه درجه‌ای از کارایی و عدالت به کار گرفته می‌شود به ارزش‌ها و برتری‌های ذهنی مردم، قوانین و مقررات حاکم برآنها و نحوه کار کرد نهادهای موجود در جامعه بستگی خواهد داشت. در این راستا نظریات مختلفی توسط بت میت و همچنین رالز ارائه گردیده است.

اگر رفاه اجتماعی کل جامعه مهم تلقی شود در این صورت توابع رفاه اجتماعی به صورت خطی و از مجموع مطلوبیت افراد به دست می‌آید که در آن نحوه توزیع اهمیت نخواهد داشت. در این نظریه چنانچه مطلوبیت یک فرد کاهش و به همان میزان مطلوبیت فرد دیگری افزایش یابد تابع رفاه اجتماعی ثابت خواهد ماند، اما چنانچه

رفاه اجتماعی جامعه با نحوه توزیع بین افراد جامعه ارتباط تک‌تاتگی داشته باشد در این صورت توابع رفاه اجتماعی به صورت تابعی L شکل از مجموع مطلوبیت افراد جامعه به دست می‌آید. در این شرایط هرچه سطوح مختلف مطلوبیت افراد جامعه به هم نزدیک‌تر باشد رفاه اجتماعی بالاتر است؛ به عبارت دیگر تابع رفاه اجتماعی به صورت تابعی از مینیمم مطلوبیت‌های تک‌تک افراد جامعه خواهد بود.

در صورت مهم بودن هر دو فاکتور مجموع مطلوبیت افراد و مطلوبیت‌های تک‌تک افراد جامعه، توابع رفاه اجتماعی به صورت عادی و مانند توابع کلاسیک مطلوبیت مصرف کننده خواهند بود. با توجه به اینکه در تفکرات مربوط به توزیع درآمد ۲ رویکرد کلی تولیدی و توزیعی وجود دارد، در ادامه این مقاله به مباحث مربوط به تولید و رشد اقتصادی و همچنین نابرابری (ضریب جینی) و روابط این ۲ متغیر مهم اقتصاد کلان پرداخته می‌شود.

۱-۶. فرضیه کوزنتس^۱

سیمون کوزنتس نظریه خود پیرامون رشد اقتصادی و توزیع درآمد را برای نخستین بار در سال ۱۹۴۵ ارائه نمود. براساس این نظریه، نابرابری درآمدی در مراحل اولیه رشد اقتصادی افزایش یافته و پس از رسیدن رشد اقتصادی به سطحی معین نابرابری درآمدی کاهش می‌یابد. کوزنتس در مطالعات خود به این نتیجه می‌رسد که سهم گروه‌های مرتفه از تولید ناخالص داخلی در کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای صنعتی پیشتر است. به عنوان مثال ۵ درصد خانوارها در کشورهای در حال توسعه پیشتر از ۳۰ درصد از درآمد را جذب می‌نمایند، در حالی که این نسبت در کشورهای پیشرفته در حدود ۲۰ الی ۲۵ درصد بوده است. همچنین، سهم گروه‌های متوسط در کشورهای پیشرفته نسبت به کشورهای در حال توسعه پیشتر می‌باشد. کوزنتس عنوان می‌نماید در بلندمدت پس از آنکه رشد اقتصادی به حجم معینی بر سر نابرابری کاهش خواهد یافت.

رشد اقتصادی به افزایش پیوسته تولید ناخالص داخلی یک کشور اطلاق می‌گردد. در نظریه‌های اقتصادی، رشد یا مسیر بالقوه رشد یک مفهوم بلندمدت است. مدل‌های طراحی شده پیرامون رشد اقتصادی در نیمه دوم قرن ییstem تلاش نمودند که سطح و شیب مسیر رشد اقتصادی را تعیین نموده و عوامل مؤثر بر آنها را شناسایی نمایند. در مدل‌های رشد یکنواخت، با فرض وجود تنها ۲ عامل کار و سرمایه در واحدهای تولیدی، اثبات می‌شود که شیب تابع تولید بلندمدت همان نرخ سود می‌باشد و سهم سود از تولید، شیب تابع تولید بلندمدت در نقطه تعادل می‌باشد. بنابراین، در صورتی که کشوری در سطوح پایین تولید ملی بلندمدت خود قرار داشته باشد، به دلیل اینکه در اوایل تابع تولید شیب آن زیاد است تعادل در این نقاط منجر به سهم بالای سرمایه از تولید نسبت به نیروی کار می‌گردد. به همین دلیل یکی از عوامل مؤثر نرخ سود بالای پول در کشورهای در

1. Kuzents Hypothesis

حال توسعه و فقیر سطح پایین تولید در این کشورهاست. در مقابل در کشوری نظری ژاپن که از سطح بالای تولید برخوردار می‌باشد (مقدار تولید در مجاورت ماکزیمم تابع تولید قرار دارد) شب تابع تولید تقریباً نزدیک به صفر است (سهم سرمایه از تولید در مقایسه با سهم دستمزد بسیار ناچیز است). بهمین دلیل نرخ سود پول در این کشور نزدیک به صفر می‌باشد. در این شرایط سرمایه‌داران کشورهای مذکور به دلیل جلوگیری از صفر شدن سهم سرمایه اقدام به انتقال سرمایه به کشورهای پیرامون خود می‌نمایند.

بر اساس مطالب فوق، در مراحل اول تولید به دلیل اینکه شب تابع تولید به طور مرتب افزایش می‌باشد سهم سرمایه از تولید افزایش و در نتیجه سهم دستمزد از تولید کاهش می‌باشد. بنابراین، در مراحل اولیه رشد اقتصادی، با ثابت بودن سایر عوامل، توزیع درآمد بدتر می‌شود. با حرکت روی تابع تولید (افزایش تولید) و در نتیجه کاهش شب آن، سهم سرمایه کاهش و سهم دستمزد افزایش می‌باشد. نهایت این روند ماکزیمم تولید می‌باشد که در آنجا سهم سرمایه به صفر می‌رسد. به عبارت دیگر در نهایت تابع تولید (ماکزیمم تولید)، تمام سهم تولید به دستمزد تعلق می‌گیرد. این روند همان مسیر U شکل نظریه کوزنیتس به صورت نظری است. بر این اساس کشورهایی که در سطوح پایین تولید قرار دارند (با فرض ثابت بودن عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و...)، با افزایش تولید با بدتر شدن توزیع درآمد مواجه خواهند شد. به عبارت دیگر افزایش تولید در این کشورها توزیع درآمد را نامناسب تر می‌نماید و کاهش تولید منجر به بهبود توزیع درآمد خواهد شد. به این دلیل بسیاری از اقتصاددانان به جای استفاده از شاخص‌های نابرابری نظری ضریب جینی از شاخص سن که یک شاخص رفاه اجتماعی محسوب می‌شود که ترکیبی از تولید و توزیع درآمد در آن نهفته است را برای ارزیابی وضعیت یک جامعه در سال‌های مختلف استفاده می‌نمایند.

در این شرایط چنانچه توزیع درآمد در یک جامعه نسبت به سال قبل بهبود یابد می‌باشد. بررسی شود که تولید در این دوره زمانی چگونه تغییر نموده است، چرا که بهتر شدن وضعیت توزیع درآمد الزاماً به معنای بهبود در رفاه اجتماعی نخواهد بود. همچنین، در شرایطی که تولید در وضعیت رکود به سر می‌برد می‌باشد بررسی شود که توزیع درآمد در آن جامعه نسبت به سال قبل چگونه تغییر نموده است. در برخی از شرایط کاهش نابرابری به واسطه کاهش تولیدات کل جامعه و رکود اقتصادی حاصل می‌شود که این امر به معنای گسترش فقر در جامعه خواهد بود. به عبارت دیگر همانگونه که در شرایطی افزایش تولید منجر به افزایش نابرابری می‌گردد بافرض همان شرایط، کاهش تولید و رکود اقتصادی نیز منجر به کاهش نابرابری و بهبود در توزیع درآمد خواهد شد.

بر اساس مطالب فوق در برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته برای رسیدن به اهداف توسعه در اینگونه کشورها باید دقت لازم در ترسیم اهداف اقتصادی صورت پذیرد. به عبارت دیگر چنانچه کشوری در مراحل اولیه رشد اقتصادی خود قرار دارد، نمی‌توان همزمان رشد اقتصادی بالا را به همراه مناسب‌تر شدن توزیع درآمد در اهداف برنامه‌های توسعه مدنظر قرار داد.

۲-۶. ضریب جینی

شیوه‌های مختلفی توسط اقتصاددانان برای تجزیه و تحلیل میزان نابرابری به کار گرفته شده که یکی از آنها ضریب جینی است که از متداول‌ترین شاخص‌های نابرابری درآمد می‌باشد. شاخصی که دارای کمیتی بین صفر (عدم وجود نابرابری) و یک (نابرابری در نهایت خود) می‌باشد. در این شاخص چانچه منابع مالی و یا درآمدی از افراد یا گروه‌های مرffe جامعه به افراد یا گروه‌های آسیب‌پذیر منتقل شود موجب کاهش در شاخص مذکور شده و کمیت مطلق آن به نحوه توزیع درآمد در گروه‌های میانی جامعه حساس می‌باشد. در توصیف ضریب جینی به صورت شکل هندسی این شاخص به صورت ذیل تعریف می‌شود.

انتگرال سطحین خط ۴۵ درجه با منحنی لورنر تقسیم بر انتگرال سطحین خط ۴۵ درجه با محور^xها. بنابراین، فرمول جبری ضریب جینی را به صورت زیر می‌توان نوشت:

$$G = 1 - \sum_{i=1}^n (x_i - x_{i-1}) * (y_i + y_{i+1}) \quad (1)$$

در این مقاله برای محاسبه شاخص رفاه اجتماعی از شاخصی که توسط آمارتیا سن ارائه گردیده استفاده شده است. شاخص رفاه اجتماعی توسط سن، ترکیب تولید و توزیع را به طور همزمان مورد توجه قرار داده است. فرمول ارائه شده توسط آمارتیا سن به صورت ذیل می‌باشد.

$$W = Y(1-G) \quad (2)$$

که در آن، W = شاخص سن، Y = تولید و G = ضریب جینی می‌باشد.

برای محاسبه شاخص سن طی ۴ دهه گذشته در ایران در این مقاله از متغیر متوسط هزینه واقعی یک خانوار در مناطق شهری، به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ به عنوان نزدیک‌ترین متغیر به تولید استفاده می‌شود.

۷. بررسی تحولات شاخص رفاه اجتماعی در مناطق شهری کشور طی سال‌های (۱۳۹۲-۱۳۵۶)

پیش از شروع بحث پیرامون شاخص رفاه اجتماعی می‌بایست یادآوری گردد که به دلیل عدم انجام نمونه‌گیری هزینه درآمد خانوارهای مناطق شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۶۰ توسط مرکز آمار ایران، برای به دست آوردن آمار و اطلاعات در ۲ سال فوق از میانگین سال قبل و بعد از آن به عنوان جانشین آنها استفاده شده است. به عنوان مثال برای به دست آوردن آمار و اطلاعات هزینه درآمد خانوارهای مناطق شهری در سال ۱۳۵۷، از میانگین سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۸ استفاده شده است.

آمار و اطلاعات جدول (۴) نتایج به دست آمده از بررسی شاخص رفاه اجتماعی طی ۴ دهه گذشته در مناطق شهری کشور را نشان می‌دهد. پایین‌ترین رقم شاخص رفاه اجتماعی با ۶۱/۳ واحد

در سال ۱۳۶۶ و بالاترین رقم این شاخص با ۱۰۶/۵ واحد در سال ۱۳۸۶ به وقوع پیوسته است. در سال‌های پس از ۱۳۸۶، با وجود کاهش قابل ملاحظه ضریب جینی در مناطق شهری کشور، به دلیل منفی شدن نرخ رشد متوسط هزینه‌های واقعی خانوارها (بجز سال ۱۳۸۹) طی سال‌های (۱۳۸۷-۱۳۹۲) شاخص رفاه اجتماعی با کاهش قابل توجهی مواجه شده است. رقم این شاخص در سال ۱۳۹۲ به ۸۶/۷ واحد رسیده که کمتر از رقم شاخص رفاه اجتماعی در سال ۱۳۸۱ می‌باشد.

در سال ۱۳۶۶ نرخ رشد متوسط هزینه‌های واقعی خانوارها در حدود ۹ درصد کاهش یافته و افزایش ضریب جینی در این سال در حدود ۰/۲ واحد بوده است. این در حالی است که در سال ۱۳۸۶ نرخ رشد متوسط هزینه‌های واقعی خانوارها در حدود ۲ درصد و کاهش ضریب جینی در این سال در حدود ۰/۵ واحد بوده است. بالاترین نرخ رشد شاخص رفاه اجتماعی در سال‌های ۱۳۸۳، ۱۳۸۱، ۱۳۶۲، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۲ به وقوع پیوسته است. نرخ رشد شاخص رفاه اجتماعی در سال‌های فوق به ترتیب ۷/۹۱، ۷/۸۵، ۷/۷، ۷/۷ و ۶/۸ واحد بوده و پایین‌ترین نرخ رشد شاخص رفاه اجتماعی در سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۴، ۱۳۶۶، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۲ واقع شده است. نرخ رشد شاخص رفاه اجتماعی در سال‌های فوق به ترتیب ۹/۱، ۹/۷، ۹/۶ و ۶/۵ واحد بوده است.

در سال‌هایی که بالاترین نرخ رشد شاخص رفاه اجتماعی ایجاد شده، سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۸۱، با افزایش متوسط هزینه‌های واقعی خانوارها، بهبود در توزیع درآمد (کاهش در ضریب جینی) نیز در اقتصاد ایران به وقوع پیوسته است.

همچنین، در سال‌هایی که پایین‌ترین نرخ رشد شاخص رفاه اجتماعی ایجاد شده، سال ۱۳۸۸، با وجود کاهش در متوسط هزینه‌های واقعی خانوارها وضعیت توزیع درآمد نیز نامناسب‌تر (افزایش در ضریب جینی) شده است.

میانگین و انحراف معیار شاخص رفاه اجتماعی طی ۳۷ سال دوره مطالعه به ترتیب ۸۰/۶ و ۱۳/۶ بوده است. چنانچه میانگین شاخص رفاه اجتماعی به علاوه و منها ۲ برابر انحراف معیار برای تعیین دامنه خارج از نرمال استاندارد محاسبه شود (۱۰۸ و ۵۳) ملاحظه می‌گردد که با وجود کاهش و افزایش در این شاخص در هیچ سالی شاخص رفاه اجتماعی (با وجود اعمال سیاست‌های متضاد توسط دولت‌های مختلف طی ۳۷ سال دوره مطالعه) از دامنه نرمال استاندارد خارج نشده است.

جدول ۴. روند شاخص رفاه اجتماعی، ضریب جینی و متوسط هزینه واقعی خانوارهای مناطق شهری کشور
طی سال‌های (۱۳۹۲-۱۳۵۶)

(ثابت) (۱۳۷۶)

سال	متوسط هزینه خانوارها (ریال)	ضریب جینی	شاخص تورم (درصد)	متوسط هزینه واقعی خانوارها (هزار ریال)	رفاه اجتماعی آماریاب سن	شاخص رفاه اجتماعی
۱۳۵۶	۴۳۸۲۰۹	۰/۵۴۲۰	۲/۴	۱۸۴۱۲	۸۴۳۳	۷۵/۹
۱۳۵۷	۴۸۳۲۰۸	۰/۵۲۹۱	۲/۶	۱۸۶۵۷	۸۷۸۶	۷۸/۸
۱۳۵۸	۵۲۸۲۰۶	۰/۵۱۶۱	۲/۹	۱۸۲۱۴	۸۸۱۴	۷۸/۸
۱۳۵۹	۵۴۵۵۴۴	۰/۴۴۳۱	۳/۶	۱۵۱۵۴	۸۴۳۹	۷۵/۹
۱۳۶۰	۷۱۴۵۰۷	۰/۴۴۸۶	۴/۴	۱۶۲۳۹	۸۹۵۴	۷۹/۹
۱۳۶۱	۸۸۳۴۶۹	۰/۴۵۴۱	۵/۷	۱۵۴۹۹	۸۴۶۱	۷۵/۶
۱۳۶۲	۱۱۱۳۱۱۶	۰/۴۶۸۱	۶/۵	۱۷۱۲۵	۹۱۰۹	۸۲/۱
۱۳۶۳	۱۲۴۰۴۸۹	۰/۴۶۲۱	۷/۱	۱۷۴۷۲	۹۳۹۸	۸۴/۱
۱۳۶۴	۱۲۷۹۹۵۸	۰/۴۶۵۱	۷/۷	۱۶۶۲۳	۸۸۹۲	۸۰/۱
۱۳۶۵	۱۳۱۴۵۷۶	۰/۴۶۱۱	۹/۴	۱۳۹۸۵	۷۵۳۶	۶۷/۳
۱۳۶۶	۱۴۸۸۷۸۴	۰/۴۶۱۸	۱۱/۷	۱۲۷۲۵	۶۸۴۸	۶۱/۳
۱۳۶۷	۱۸۰۰۳۲۸	۰/۴۳۴۱	۱۴/۷	۱۲۲۴۷	۶۹۳۱	۶۲/۳
۱۳۶۸	۲۰۸۶۱۳۸	۰/۴۳۱۳	۱۷/۱	۱۲۲۰۰	۶۹۳۸	۶۲/۲
۱۳۶۹	۲۲۹۳۷۷۹	۰/۴۴۵۲	۱۸/۶	۱۲۳۳۲	۶۸۴۲	۶۱/۴
۱۳۷۰	۳۰۵۸۶۹۱	۰/۴۵۳۱	۲۲/۴	۱۳۶۵۵	۷۴۶۸	۶۶/۹
۱۳۷۱	۳۷۹۵۷۵۲	۰/۴۲۱۹	۲۷/۹	۱۳۶۰۵	۷۸۶۵	۷۰/۶
۱۳۷۲	۴۶۱۲۷۳۶	۰/۴۲۵۱	۳۴/۳	۱۳۴۴۸	۷۷۳۱	۶۹/۴
۱۳۷۳	۶۲۴۲۴۶۰	۰/۴۱۵۱	۴۶/۳	۱۳۴۸۳	۷۸۸۶	۷۰/۷
۱۳۷۴	۸۸۷۹۶۳۸	۰/۴۴۴۸	۶۹/۲	۱۲۸۲۲	۷۱۲۴	۶۳/۹
۱۳۷۵	۱۱۰۶۰۷۵	۰/۴۳۹۱	۸۵/۳	۱۲۹۶۷	۷۲۷۳	۶۵/۳
۱۳۷۶	۱۳۳۴۵۸۶۳	۰/۴۲۰۳	۱۰۰	۱۳۳۴۶	۷۷۳۷	۶۹/۴
۱۳۷۷	۱۶۶۶۹۶۰۰	۰/۴۱۴۶	۱۱۸	۱۴۱۱۵	۸۲۶۳	۷۴/۱
۱۳۷۸	۲۰۷۰۲۸۸۶	۰/۴۱۲۸	۱۴۲	۱۴۶۰۰	۸۵۷۳	۷۶/۹
۱۳۷۹	۲۴۱۷۵۳۱۲	۰/۴۱۱۰	۱۶۰	۱۵۱۳۸	۸۹۱۶	۸۰
۱۳۸۰	۲۸۰۲۰۳۵۰	۰/۴۱۹۹	۱۷۸	۱۵۷۵۱	۹۱۳۷	۸۲
۱۳۸۱	۳۴۹۷۰۶۶۱	۰/۴۱۹۵	۲۰۶	۱۶۹۷۶	۹۸۵۵	۸۸/۴
۱۳۸۲	۴۰۹۸۹۲۸۳	۰/۴۹۹۶	۲۳۸	۱۷۲۰۸	۱۰۳۳۲	۹۲/۷
۱۳۸۳	۵۱۴۷۸۹۲۱	۰/۴۰۵۵	۲۷۵	۱۸۷۵۴	۱۱۱۴۹	۱۰۰
۱۳۸۴	۵۹۲۴۲۴۲۶	۰/۴۰۵۸	۳۰۳	۱۹۰۴۶	۱۱۶۱۴	۱۰۴/۲
۱۳۸۵	۶۷۲۸۶۰۲۱	۰/۴۱۵۶	۳۳۹	۱۹۸۴۳	۱۱۵۹۶	۱۰۴
۱۳۸۶	۸۱۲۸۹۱۳۹	۰/۴۱۳۶	۴۰۲	۲۰۲۴۶	۱۱۸۷۲	۱۰۶/۵
۱۳۸۷	۹۴۲۱۴۱۶	۰/۳۸۶۷	۵۰۳	۱۸۷۷۷	۱۱۴۸۵	۱۰۳
۱۳۸۸	۹۹۱۹۱۳۳۰	۰/۳۸۹۳	۵۸۰	۱۷۱۱۴	۱۰۴۵۱	۹۳/۷
۱۳۸۹	۱۱۳۶۷۷۵۰۴	۰/۳۸۴۱	۶۴۸	۱۷۵۴۶	۱۰۸۰۶	۹۶/۹
۱۳۹۰	۱۳۲۷۱۶۰۹۶	۰/۳۵۶۷	۷۸۷	۱۶۸۵۷	۱۰۸۴۲	۹۷/۳
۱۳۹۱	۱۶۴۲۸۰۶۲۱	۰/۳۵۴۲	۱۰۲۸	۱۵۹۸۸	۱۰۳۲۵	۹۲/۶
۱۳۹۲	۲۰۶۰۳۴۲۴۲	۰/۳۵۱۳	۱۳۸۴	۱۴۸۸۸	۹۶۵۸	۸۶/۷

مأخذ: ستون اول و دوم از هزینه، درآمد خانوارهای شهری مرکز آمار ایران، ستون سوم، بانک مرکزی و سایر ستون‌ها نتایج تحقیق می‌باشند.

جدول ۵. نرخ رشد متوسط هزینه واقعی خانوارها، ضریب جینی و شاخص رفاه اجتماعی مناطق شهری کشور
طی سال‌های (۱۳۹۲-۱۳۵۷)

(درصد)

سال	نرخ رشد متوسط هزینه واقعی خانوارها	نرخ رشد ضریب جینی	نرخ رشد شاخص رفاه اجتماعی
۱۳۵۷	۱/۳	-۲/۴	۴/۲
۱۳۵۸	-۲/۷	-۲/۴	-۰/۰۳
۱۳۵۹	-۱۶/۳	-۱۴/۱	-۳/۷
۱۳۶۰	۶/۴	۱/۲	۵/۳
۱۳۶۱	-۴/۵	۱/۲	-۵/۴
۱۳۶۲	۱۱/۴	۳/۱	۸/۵
۱۳۶۳	۱/۳	-۱/۳	۲/۴
۱۳۶۴	-۴/۲	۰/۶	-۴/۸
۱۳۶۵	-۱۶/۶	-۰/۹	-۱۵/۹
۱۳۶۶	-۸/۹	۰/۲	-۰/۹
۱۳۶۷	-۳/۳	-۶	۱/۷
۱۳۶۸	-۶	-۰/۶	-۰/۱
۱۳۶۹	۱/۲	۳/۲	-۱/۳
۱۳۷۰	۱۰/۵	۱/۸	۸/۹
۱۳۷۱	-۲	-۶/۹	۵/۵
۱۳۷۲	-۱	۰/۸	-۱/۶
۱۳۷۳	۰/۱	-۲/۴	۱/۸
۱۳۷۴	-۴/۸	۷/۲	-۹/۶
۱۳۷۵	۱/۱	-۱/۳	۲/۱
۱۳۷۶	۲/۹	-۴/۳	۶/۳
۱۳۷۷	۵/۸	-۱/۴	۶/۸
۱۳۷۸	۳/۴	-۶	۳/۷
۱۳۷۹	۳/۷	-۰/۴	۴/۰
۱۳۸۰	۴/۰	۲/۲	۲/۵
۱۳۸۱	۷/۸	-۰/۱	۷/۹
۱۳۸۲	۱/۴	-۴/۷	۴/۸
۱۳۸۳	۹/۰	۱/۵	۷/۹
۱۳۸۴	۴/۲	۰/۱	۴/۲
۱۳۸۵	۱/۵	۲/۴	-۰/۲
۱۳۸۶	۲/۰	-۰/۵	۲/۴
۱۳۸۷	-۷/۵	-۶/۵	-۳/۳
۱۳۸۸	-۸/۶	-۰/۷	-۹
۱۳۸۹	۲/۵	-۱/۳	۳/۴
۱۳۹۰	-۳/۹	-۷/۱	۰/۳
۱۳۹۱	-۵/۱	-۰/۷	-۴/۸
۱۳۹۲	-۶/۸	-۰/۸	-۶/۴

مأخذ: نتایج تحقیق.

به طور معمول برای تعیین اثرات اجزای شاخص رفاه اجتماعی از مشتق کلی شاخص استفاده می‌شود.

مشتق کلی شاخص سن را می‌توان به صورت ذیل نوشت:

$$dw = (1 - G) dy - y dG \quad (3)$$

با استفاده از مشتق کلی فوق می‌توان تغییرات و نوسانات در رفاه اجتماعی را طی سال‌های مختلف مورد ارزیابی قرار داد و همچنین، تغییرات در این متغیر را بر اساس تأثیر عوامل دوگانه تولید و توزیع درآمدی مشخص نمود. جزء اول مشتق، مربوط به تغییرات متوسط هزینه واقعی یک خانوار به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ و اثر آن بر رفاه اجتماعی و جزء دوم آن مربوط به تغییرات ضریب جینی و اثر آن بر رفاه اجتماعی می‌باشد.

همانگونه که ملاحظه می‌شود طی ۴ دهه گذشته (۱۳۹۲-۱۳۵۶) نرخ رشد میانگین واقعی هزینه کل مناطق شهری به طور متوسط در حدود $\frac{6}{10}$ درصد کاهش یافته است. از طرف دیگر کاهش $1/2$ واحد درصدی در ضریب جینی طی این دوره رشد به دست آمده را تحت تأثیر قرار داده، به طوری که افزایش

به طور متوسط در حدود $\frac{4}{10}$ درصدی در شاخص رفاه اجتماعی مناطق شهری را در پی داشته است.

در توضیح این موضوع می‌توان عنوان نمود همانگونه که در صفحات قبل به آن اشاره گردید، می‌باشد توجه داشت چنانچه توزیع درآمد در یک جامعه نسبت به سال قبل بهبود یابد، باید بررسی شود که تولید در این دوره زمانی چگونه تغییر نموده است. همچنین در دوره‌هایی که توزیع درآمد در یک جامعه نسبت به سال گذشته بدتر شده باید بررسی شود که آیا تولید در این دوره زمانی افزایش یافته است. در این دوره ۳۷ ساله با وجودی که نرخ رشد میانگین واقعی هزینه کل خانوارهای مناطق شهری به طور متوسط $\frac{6}{10}$ درصد کاهش یافته، اما به دلیل بهبود در وضعیت توزیع

درآمد شاخص رفاه اجتماعی مناطق شهری در حدود $\frac{4}{10}$ درصد افزایش یافته است.

برهمن اساس دستیابی اقتصاد کشور، همزمان به اهداف نرخ رشد اقتصادی ۸ درصدی به همراه کاهش ضریب جینی به $0/35$ و یا دیگر شاخص‌های توزیع درآمد نظیر فاصله ۲ گروه بالا و پایین درآمدی در اواخر سال‌های برنامه پنجم امکان پذیر نمی‌باشد. بنابراین در ترسیم اهداف اقتصادی برای تنظیم قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی کشور این موضوع که دستیابی به نرخ رشد اقتصادی بالا به همراه کاهش ضریب جینی برای رسیدن به افزایش بالایی از شاخص رفاه اجتماعی با مشکلاتی مواجه خواهد شد می‌باشد مدنظر قرار گیرد (دوباره تأکید می‌شود که این موضوع به شرط ثبات

سایر شرایط می‌باشد، اما اگر در جامعه‌ای تحول عمیق فرهنگی پدیدار شود به‌طوری که طیف وسیعی از افراد آن کشور حاضر به فدایکاری برای جامعه خویش باشند این نظریه تا حدود زیادی تعدیل خواهد گردید. نظیر وقوع انقلاب اسلامی در ایران و یا تفکرات رایج در کشورهای ژاپن، کره‌جنوبی و ... که تلاش‌های زیادی برای پیشرفت کشورشان انجام داده‌اند).

راهبردها و سیاست‌های تعیین و اجرا شده پیرامون برنامه‌ریزی برای رشد اقتصادی و نرخ آن در کشور طی ۴ دهه گذشته بر اساس ایجاد مناطق صنعتی و کشاورزی در محدوده‌های خاصی از شهرها و روستاهای کشور علاوه بر اینکه وضعیت توزیع درآمد و رفاه اجتماعی را در شرایط بهبود قابل توجهی قرار نداده است (به استثنای چند سال مشخص) موجب عدم تعادل و توازن در توزیع منابع، امکانات و رشد بین مناطق و استان‌های مختلف کشور نیز شده است. عدم توجه کافی در سیاست‌گذاری‌ها و همچنین اجرای ناقص سیاست‌های مصوب در برنامه‌های توسعه کشور پیرامون برنامه‌های آمایش سرزمین، فاصله توسعه یافتنگی بین استان‌ها و مناطق مختلف کشور را بیشتر نموده است. به بیان دیگر اگر چه راهبردها و سیاست‌های تعیین و اجرا شده همه استان‌های کشور را از نظر درجه توسعه یافتنگی بهبود بخشیده، با این حال میزان این بهبود در مناطق توسعه یافته بسیار بیشتر از مناطق محروم بوده و همین امر شکاف توسعه یافتنگی در مناطق مختلف کشور را تشدید نموده است.

۸ برسی نتایج محاسبه درجه توسعه یافتنگی استان‌های کشور و تغییرات به وجود آمده ۲ مقطع ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ براساس روش تاپسیس

براساس آمار و اطلاعات جدول (۶)، نتایج به دست آمده نشان می‌دهند که درجه توسعه یافتنگی تمام استان‌های کشور در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۷۵ بهبود یافته است. اگر چه بالاترین میزان درجه توسعه یافتنگی مناطق کشور در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ (پیشرفته‌ترین استان) متعلق به استان تهران است، میزان بهبود در درجه توسعه یافتنگی این استان در سطح $\frac{10}{100}$ واحد بوده است. همچنین، پایین‌ترین درجه توسعه یافتنگی در ۲ مقطع ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ (محروم‌ترین استان)، متعلق به استان سیستان و بلوچستان و میزان بهبود در درجه توسعه یافتنگی در ۲ مقطع مذکور نیز برای این استان حدود $\frac{7}{100}$ واحد بوده است. بر اساس نتایج به دست آمده بالاترین میزان بهبود در درجه توسعه یافتنگی مناطق کشور متعلق به استان‌های خوزستان $(\frac{17}{100})$ واحد، هرمزگان $(\frac{15}{100})$ واحد، زنجان $(\frac{14}{100})$ واحد، مازندران و

خراسان‌رضوی ($\frac{12}{100}$) واحد بوده و پایین‌ترین میزان بهبود در درجه توسعه‌یافتنگی در ۲ مقطع ۱۳۷۵

و ۱۳۸۵ متعلق به استان یزد کمتر از ($\frac{1}{100}$) واحد بوده است.

بر اساس درجه توسعه‌یافتنگی به دست آمده از استان‌ها در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ میانگین و انحراف معیار درجه توسعه‌یافتنگی استان‌های کشور در سال‌های مذکور به ترتیب برابر با $0/033$ و $0/061$ ، $0/41$ و $0/053$ بوده است.

در مباحث علم آمار، برای قیاس ۲ جامعه آماری، جامعه‌ای مطلوب‌تر می‌باشد که دارای میانگین بالاتر و پراکندگی (انحراف معیار) کمتری باشد، بنابراین به طور متوسط وضعیت توسعه‌یافتنگی استان‌های کشور در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۷۵ بهتر تلقی می‌گردد؛ چرا که میانگین توسعه‌یافتنگی استان‌های کشور در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۷۵ افزایش و انحراف معیار (پراکندگی) توسعه‌یافتنگی کشور در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است، اما چنانچه این مقایسه با شاخص دامنه تغییرات انجام شود وضعیت کشور نه تنها بهبود نیافته بلکه تا حد قابل توجهی نیز فاصله بیشتر شده است. دلیل این امر نیز روشن است چرا که بهبود در درجه توسعه‌یافتنگی در سطح بالا به طور عمده در استان‌هایی که در حال توسعه هستند پدید آمده است، بنابراین موارد فوق موجب افزایش شکاف میان پیشرفته‌ترین و عقب‌مانده‌ترین استان‌ها شده است.

جدول ۶. درجه توسعه یافتنی مناطق مختلف کشور و میزان بیبود آن در ۲ مقطع ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ بر اساس روش تاپسیس

استان	درجه توسعه یافتنی در سال		میزان بیبود
	۱۳۸۵	۱۳۷۵	
آذربایجان شرقی	۰/۴۴۱۷	۰/۳۶۱۸	۰/۰۸
آذربایجان غربی	۰/۳۷۳۱	۰/۲۸۲۸	۰/۰۹
اردبیل	۰/۳۹۵۱	۰/۲۸۸۴	۰/۱۱
اصفهان	۰/۴۶۷۴	۰/۴۰۲۲	۰/۰۷
ایلام	۰/۳۸۴۸	۰/۳۰۷۴	۰/۰۸
بوشهر	۰/۳۷۵۳	۰/۳۴۱۳	۰/۰۳
تهران	۰/۶۰۰۴	۰/۴۹۹۱	۰/۱۰
چهارمحال و بختیاری	۰/۴۰۲۱	۰/۳۳۲۳	۰/۰۷
خراسان جنوبی	۰/۴۰۳۶	---	---
خراسان رضوی	۰/۴۲۹۸	۰/۳۰۷۸	۰/۱۲
خراسان شمالی	۰/۳۷۵۵	---	---
خوزستان	۰/۴۶۴۰	۰/۲۹۱۳	۰/۱۷
زنجان	۰/۴۲۹۳	۰/۲۹۴۱	۰/۱۴
سمنان	۰/۴۶۴۷	۰/۴۰۸۲	۰/۰۶
سیستان و بلوچستان	۰/۳۰۲۸	۰/۲۳۳۷	۰/۰۷
فارس	۰/۳۷۹۹	۰/۳۱۹۶	۰/۰۶
قزوین	۰/۴۳۳۷	---	---
قم	۰/۴۸۲۵	---	---
کردستان	۰/۳۷۴۹	۰/۲۸۹۸	۰/۰۹
کرمان	۰/۳۷۰۱	۰/۳۱۶۳۰	۰/۰۵
کرمانشاه	۰/۴۰۰۳	۰/۳۴۵۹	۰/۰۵
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۳۶۸۵	۰/۲۸۲۷	۰/۰۹
گلستان	۰/۳۹۸۶	---	---
گیلان	۰/۴۳۶۷	۰/۳۵۴۵	۰/۰۸
لرستان	۰/۳۶۳۵	۰/۲۵۵۹	۰/۱۱
مازندران	۰/۴۳۶۵	۰/۳۱۰۷	۰/۱۳
مرکزی	۰/۴۳۲۳	۰/۳۵۹۴	۰/۰۷
هرمزگان	۰/۳۸۲۱	۰/۲۳۵۸	۰/۱۵
همدان	۰/۴۳۰۲	۰/۲۳۱۴	۰/۱۰
یزد	۰/۴۴۴۷	۰/۴۴۰۲۰	۰/۰۰۵
درجه توسعه پیشرفت‌هه ترین	۰/۶۰۰۴	۰/۴۹۹۱	۰/۱۰
درجه توسعه عقب‌مانده‌ترین	۰/۳۰۲۸	۰/۲۳۳۷	۰/۰۷

مأخذ: اسلامی، ۱۳۹۱.

منابع

- اسلامی، سیف‌الله (۱۳۷۹)، "یارانه و خط‌فقر"، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، معاونت امور اقتصادی.
- اسلامی، سیف‌الله (۱۳۸۱)، "اثر سیاست‌های حمایتی دولت بر نابرابری"، همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، اسفند ماه.
- اسلامی، سیف‌الله (۱۳۸۵)، "اثر برخی از متغیرهای اقتصاد کلان بر توزیع درآمد"، همایش اقتصاد ایران در گام نهم، وزارت امور اقتصادی و دارایی، مرداد ماه.
- اسلامی، سیف‌الله (۱۳۸۹)، "بررسی تحقق اهداف برنامه پنجم توسعه پیرامون توزیع درآمد"، همایش برنامه پنجم توسعه، مجلس شورای اسلامی، خرداد ماه.
- اسلامی، سیف‌الله (۱۳۹۰)، "نگرشی اقتصادی بر جنبش ضد وال استریت"، مجله اقتصادی، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، شماره‌های ۷ و ۸، سال ۱۱، مهر ماه.
- اسلامی، سیف‌الله (۱۳۹۱)، "تیزن و محاسبه درجه توسعه یافتنگی استان‌های کشور طی ۲ مقطع (۱۳۷۵-۱۳۸۵)", مجله اقتصادی، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، سال ۱۲، شماره ۱، فروردین ماه.
- اشرفی، یکتا و زینت گلی (۱۳۸۷)، "بررسی وضعیت توزیع درآمد با استفاده از محاسبه ضربی‌جینی و شاخص رفاه سن طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۸۶ (۱۳۸۵)", مجله اقتصادی معاونت امور اقتصادی، اسفند ماه.
- بهشتی، محمد و رضا صدیق (۱۳۸۵)، "آزمون موثر رشد کالدور در اقتصاد ایران در دوره ۱۳۳۸-۱۳۷۹"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۸، پاییز.
- جلالی، محسن (۱۳۸۵)، "تجزیه ضربی‌جینی و کشش در آمدی آن در ایران"، فصلنامه روند، تیر ماه.
- جلالی، محسن (۱۳۸۶)، "بررسی تابع رفاه اجتماعی در ایران"، فصلنامه روند، بهار و تابستان.
- دکتر در کوش (۱۳۷۰)، جزوه درس اقتصاد کلان ۲، کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی.
- دکتر صدر (۱۳۷۰)، جزوه درسی موضوعات انتخابی در اقتصاد اسلامی، کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی.
- رئیس‌دان، فریبرز (۱۳۸۱)، "نقد و بررسی چند الگوی نظری در اقتصاد رفاه"، فصلنامه رفاه اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی، سال دوم، شماره ۳، بهار.
- سامتی، مرتضی (۱۳۷۵)، "عدالت اجتماعی و توزیع درآمد در ایران"، وزارت اقتصاد و دارایی.
- شهیکی‌تاش، محمدمدنی، مولایی، صابر و الهام شیوای (۱۳۹۲)، "سنجدش کاردينالی رفاه و ارزیابی اثر متغیرهای کلان بر تغییرات رفاه در ایران بر مبنای رگرسیون فازی"، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، معاونت امور اقتصادی وزارت دارایی، شماره ۶۵، بهار.
- صیادزاده، علی و سید محمد مهدی احمدی (۱۳۸۵)، "بررسی تابع رفاه اجتماعی آمار تیاسن در ایران: یک تحلیل نظری و تجربی"، نامه مفید، دانشگاه مفید، دی ماه.
- عادلی، محمدحسین و علی رنجبر کی (۱۳۸۴)، "بررسی رابطه بلندمدت بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران"، فصلنامه پژوهش‌نامه اقتصادی، شماره ۱۸، پاییز.
- عادل‌زاده، رسول (۱۳۸۶)، "بررسی روند شاخص‌های توزیع درآمد در استان‌های کشور به تفکیک مناطق شهری و روستایی طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۵۰ (۱۳۵۰)، پژوهشکده آمار مرکز آمار ایران، اسفند ماه.
- مرکز آمار ایران، هزینه، درآمد خانوارهای شهری و روستایی طی سال‌های ۱۳۹۲ (۱۳۵۶).

نیلی، فرهاد (۱۳۷۵)، "رشد اقتصادی، توزیع درآمد و رفاه اجتماعی در سال‌های (۱۳۶۱-۱۳۷۲)"، مجله برنامه و بودجه، سازمان برنامه و بودجه، شماره ۱.

نیلی، فرهاد (۱۳۷۸)، "رشد اقتصادی و توزیع درآمد"، مجله برنامه و بودجه، شماره‌های ۳۸ و ۳۹، سازمان برنامه و بودجه.

نیلی، مسعود و علی فرجحیش (۱۳۷۷)، "ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد"، مجله برنامه و بودجه، شماره‌های ۳۴ و ۳۵، سازمان برنامه و بودجه.

Aghion, P. & P. Bolton (1992), "Distribution and Growth in Models of Imperfect Capital Markets", *European Economic Review*, No. 36.

Champernowne, D. G. (1953), A Model of Income Distribution", *The Economic Journal*, Vol. 63, No. 250. Jun.

Kuznetes's (1955), "Economic Growth and Income Inequality, op, PP. 7-18.

Lars P. Feld, Justina A.V. & Fischer, Gebhard Kirchassner, *The Effect of Direct Democracy on Income Redistribution: Evidence for Switzerland Phillips-University of Marburg*, University of St. Gallen and CESifo University of St. Gallen, SIAW-HSG , CESifo and Leopoldina.

Provisional Data from OECD Income Distribution and Poverty Database (2011), Oct, 18.

Saint-Paul, Gilles, & Thierry Verdier (1996), "Inequality, Redistribution and Growth: A Challenge to the Conventional Political Economy Approach", *European Economic Review*, No. 40.

Sen, A.(1973), On Economic Inequality, Oxford, Colrendon Press.